



دکتر محسن وحدانی

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان



# کاووشگران سلامت

## یادداشت سردبیر

برنامه درسی یکی از مهم‌ترین ابزارهای آموزشی است که می‌تواند بر ذهن، جسم و روان افراد مؤثر باشد و آثار آن همیشه در آنان باقی بماند. نظام تربیتی سنتی بر انباشتن مفاهیم و دانش‌ها در ذهن دانش‌آموزان تأکید داشت، اما نظام کنونی بر توسعه روحیه پرسشگری و بهره‌مندی از روش‌های فعال و اکتشافی تأکید دارد. موضوع پرسشگری آن قدر مهم است که خداوند متعال در قرآن کریم بارها و بارها بر عبارتهایی همچون «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» تأکید کرده است. بنابراین در رویکردهای نوین آموزشی در پی انتقال دانش به ذهن دانش‌آموزان نیستیم، بلکه می‌خواهیم آنان را با موقعیت‌های مسئله‌ای، چالشی و کاوشگرانه روبه‌رو و درگیر کنیم. این بدان معناست که ما نباید دانش‌آموزانی تربیت کنیم که تنها می‌دانند و می‌فهمند، بلکه باید بتوانیم افرادی را پرورش دهیم که ذهن کاوشگرانه دارند و پرسش‌های بیشتری در ذهن آنان تراوش می‌کند.

کنجکاوی، خیال‌پردازی، پرسشگری، کاوشگری و فعال بودن از مهم‌ترین ویژگی‌هایی هستند که نسل کنونی و آینده ما باید داشته باشند. برای رسیدن به این هدف، لازم است که در طراحی آموزشی خود دانش‌آموزان را در موقعیت‌های چالشی، تجربی و مسئله‌ای قرار دهیم. دانش‌آموزان در این دنیای پیچیده باید برای رویارویی با چالش‌ها و مسئله‌های واقعی زندگی آمادگی داشته باشند. اما منظور از موقعیت‌های مسئله‌محور چیست؟ این موقعیت‌ها شرایطی به وجود می‌آورند که ذهن و جسم دانش‌آموز درگیر شود و او را به فکر وامی‌دارند تا مسیرهای عصبی مغز و اندام و اعضای بدن وی فعال تر شوند. بنابراین هدف این نیست که مقصد را حاضر و آماده جلوی دانش‌آموز قرار دهیم، بلکه هدف، ترغیب و تشویق او برای رسیدن به مقصد است. از آنجا که انسان‌ها ذاتاً کنجکاو، فراهم‌کردن موقعیت‌های چالشی و مسئله‌ای می‌تواند ذهن آنان را درگیر کند. متخصصان علوم شناختی معتقدند که وقتی ذهن دانش‌آموز به چالش کشیده شود نوعی بی‌تعادلی در ذهن وی به وجود می‌آید که این امر باعث برانگیختگی برای یادگیری می‌شود. بدیهی است هر قدر این موقعیت‌ها بیشتر طراحی شوند می‌توانیم انتظار داشته باشیم که قدرت حل مسئله، خلاقیت و تفکر در آنان رشد پیدا کند و اثربخشی یادگیری بیشتر شود. کارشناسان علوم تربیتی هم بر این باورند که هر قدر موقعیت طراحی شده به شرایط واقعی نزدیک تر باشد، یادگیری عمیق تر خواهد شد.

برای دستیابی به هدف‌های مذکور، باید از روش‌های فعال، مسئله‌محور، چالشی و اکتشافی در تدریس بهره‌مند شویم. یک اصل اساسی وجود دارد که بیان می‌کند «هیچ‌کس کاری را که خیلی آسان یا خیلی دشوار باشد، دوست ندارد.» بنابراین، طراحی تکلیف و ایجاد موقعیت یادگیری باید قدری دشوارتر از توانایی کنونی دانش‌آموزان باشد و در ذهن آنان مسئله و چالش ایجاد کند. ایجاد چالش باعث توجه بیشتر آنان خواهد شد. برای مثال، یک معلم تربیت‌بدنی می‌تواند به جای تبیین انواع پاس در هندبال، با طراحی یک تمرین اکتشافی فرصتی فراهم آورد که خود دانش‌آموزان انواع پاس‌ها و کارکردهای هر یک از آن‌ها را کشف کنند یا یک مراقب سلامت به جای توضیح موضوع «تغذیه سالم» می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد مواد غذایی مصرفی در طول هفته خود را یادداشت و آن‌ها را به دو بخش سالم و ناسالم تقسیم کنند.

آری، بهره‌گیری از روش‌های اکتشافی باعث خلق فرصت‌های تفکر برای دانش‌آموزان است و زمانی که دانش‌آموزان فکر کردن را می‌آموزند، می‌توانند خلاق، متفکر و مسئول یادگیری همیشگی خود باشند. زمانی که دانش‌آموزان به تولید و اکتشاف دست می‌زنند، یادگیری آنان به گونه‌ای چشمگیر افزایش می‌یابد. دانش‌آموزانی دارای اثربخشی است که بتوانند مسئله‌ها و چالش‌های زندگی را حل کنند و به اصطلاح، کاربردی باشند. دانش‌آموزان باید مهارت‌های زندگی را بیاموزند و با بهره‌گیری از هنر تفکر بتوانند در رویارویی با آن‌ها واکنش مناسب داشته باشند.

ما نباید دانش‌آموزانی تربیت کنیم که تنها می‌دانند و می‌فهمند، بلکه باید بتوانیم افرادی را پرورش دهیم که ذهن کاوشگرانه دارند و پرسش‌های بیشتری در ذهن آنان تراوش می‌کند

متخصصان علوم شناختی معتقدند که وقتی ذهن دانش‌آموز به چالش کشیده شود نوعی بی‌تعادلی در ذهن وی به وجود می‌آید که این امر باعث برانگیختگی برای یادگیری می‌شود